



The function of Speech acte in explaining the illocutionary force of educational strategy in part 28 of the Holy Quran

Aliakbar noresideh ¹<https://orcid.org/0000-0002-1158-1395>

Ali bagheri ²<https://orcid.org/0000-0003-4028-2295>

1. Assistant Professor in Arabic Language and Literature, university of Semnan, Semnan, Iran. noresideh@semnan.ac.ir

2. PhD in Arabic Language and Literature, university of Semnan, Semnan, Iran .bagheri@semnan.ac.ir

Article Info

ABSTRACT

Article type:

Article history:

Keywords:

Holy Qur'an,
part 28,
educational strategy,
John Searle,
Speech acte.

The language of religion has always been the focus of the philosophers of the school of analytical philosophy. This group started their work with the meaninglessness of statements in religious language, and reached the meaningfulness and functionality of statements in religious language in this field. Kar-Govet theory is one of the most important theories derived from the researches of analytical philosophers, which focuses on the rational and epistemological dimension of religious language. Linguistic statements in the 28th part of the Holy Qur'an introduce educational strategies, each of which has a wide impact on human tendency to learn and implement them. These strategies have been used in purposeful and diverse linguistic structures that need to be analyzed to understand their purpose. As one of the contextual theories, the discourse theory can be a solution for analyzing such linguistic statements. The present essay, with descriptive-analytical method and relying on John Searle's theory of discourse, tries to investigate the role of discourses in explaining linguistic propositions containing educational strategies in the 28th part of the Qur'an. The result of this research shows that the educational strategies of threat, encouragement, warning and reminding and pattern making are often used in the structure and language sentences of news and matter, which the power of intention in them is implicit, in this case the deep reading of the sentence. linguistic features and the discovery of hidden meanings through the linguistic context in the form of the association of verses and the surrounding context in the form of the revelation of the verses, can be found, therefore, the theory of discourse as a contextual theory is helpful in explaining the structure of the verses including the educational strategy slow.



کارکرد کارگفت‌ها در تبیین توان منظوری راهبردهای تربیتی جزء ۲۸ قرآن کریم

علی اکبر نورسیده^۱ علی باقری^۲

^۱ نویسنده مسؤول: دانشیار زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و زبان های خارجی، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران.

noresideh@semnan.ac.ir

^۳ علی باقری، دانش‌آموخته دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و زبان های خارجی، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران.

bagheri@semnan.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله:	زبان دین همواره مورد توجه فیلسوفان مکتب فلسفه تحلیلی بوده است. این گروه کار خود را با بی معنایی گزاره‌ها در زبان دینی شروع کرده، به معنا داری و کنش‌پذیری گزاره‌های زبان دینی در این حوزه رسیدند. نظریه کارگفت از مهمترین نظریات نشأت گرفته از پژوهش‌های فلاسفه تحلیلی است که بعد عقلانی و معرفت شناختی زبان دینی را مورد توجه قرار می‌دهد. گزاره‌های زبانی در جزء ۲۸ قرآن کریم، راهبردهای تربیتی را معرفی می‌کند که هریک از آن‌ها تأثیر گسترده بر گرایش انسان به فراگیری و عملی کردن آن‌ها دارد. این راهبردها در ساختارهای زبانی هدفمند و گوناگون کاربری شده‌اند که برای فهم توان منظوری آن‌ها به واکاوی بافت نیاز است. نظریه کارگفت به عنوان یکی از نظریه‌های بافتاری می‌تواند راهکاری برای تحلیل چنین گزاره‌های زبانی باشد. جستار حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر نظریه کارگفت جان سرل، سعی دارد نقش کارگفت‌ها در تبیین گزاره‌های زبانی مشتمل بر راهبردهای تربیتی جزء ۲۸ قرآن را بررسی کند. دستاورد این پژوهش بیانگر این است که راهبردهای تربیتی تهدید، تشویق، تذکر و یادآوری و الگوسازی، غالباً در ساختار و گزاره‌های زبانی خبری و امری کاربری شده‌اند که توان منظوری موجود در آنها ضمنی است، در این صورت خوانش عمیق گزاره‌های زبانی و کشف معانی پنهان به وسیله بافت زبانی در قالب همنشینی آیات و بافت پیرامونی در قالب شأن نزول آیات، قابل پیجویی است، از این روی، نظریه کارگفت به عنوان یک نظریه بافتاری در تبیین ساختار آیات مشتمل بر راهبرد تربیتی کمک شایانی می‌کند.
تاریخ دریافت:	
تاریخ بازنگری:	
تاریخ پذیرش:	
تاریخ انتشار:	
کلیدواژه‌ها:	
قرآن کریم،	
جزء ۲۸،	
راهبردهای تربیتی،	
جان سرل،	
نظریه کارگفت.	
استناد:	

© نویسندگان.

ناشر: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.



پژوهشگران متون دینی، زبان به کار گرفته شده در این متون به ویژه متن قرآن- را با زیست اولیه بشر پیوند می‌دهند؛ به طوری که از همان پیدایش کتاب‌های مقدس شروع به تحلیل، تفسیر و تأویل زبان آن کردند. گروهی مثل پوزیتیویسم‌های منطقی بی‌معنایی گزاره‌های دینی را مطرح کرده و گروهی دیگر مانند فلاسفه فلسفه تحلیلی معناداری و اجرائی بودن آن را مورد توجه قرار دادند. کاربردشناسی که از دل فلسفه تحلیلی ظهور کرد، مقاصد حقیقی و معنای وابسته به گوینده را وابسته به واکاوی متن از نظر بافت‌زبانی و غیرزبانی دانست، از بین نظریات کاربردشناسی، نظریه کارگفت به عنوان یک نظریه کاربردی و ارتباطی در تحلیل زبان متون دینی از کارآمدی بیشتری برخوردار است؛ زیرا باعث انسجام‌بخشی به آیات و ایجاد یک منظومه فکری بنیادی می‌شود. این نظریه‌ی بافتاری و قصدمند، نمود بیرونی زبان (ادای واژه‌ها و جملات) را در تقابل با بافت بیرونی گفتمان قرار می‌دهد و در پی کشف دلالت، معنا و کنش‌های زبانی درمی‌آید و با ایجاد یک رابطه دیالکتیک بین زبان و شرایط کاربری آن، زبان را از حالت تولیدی صرف خارج و نقش پراگماتیک به آن می‌بخشد.

آنچه در این جستار مورد بررسی قرار می‌گیرد راهبردهای تربیتی در جزء ۲۸ از منظر قرآن کریم است. این جزء شاید بحث مطلق از راهبردهای تربیت را نمایان نکند اما از یک سو، حالت و رفتارهایی را متجلی کرده که می‌توان از آن به عنوان یک راهبرد تربیتی یاد کرد، از سوی دیگر، فضای کلی سوره‌های موجود در جزء ۲۸ عمل‌گرایی است؛ بدین معنا که اصول و راهبردهای تربیت از سه بعد مهم بینشی، گرایش و کنشی برخوردار است. در حقیقت در این جزء انسان علاوه بر معرفت به راهبرد تربیتی، باید نسبت به انجام آن در جهان خارج اقدام کند و این اقدام همان گرایش و کنش را در بر می‌گیرد.

از آنجایی که پدیده تربیت از شاخصه‌های عقلانی و معرفت‌شناختی محسوب می‌شود، لذا گزاره‌ها زبانی کاربری شده آیات اعم از گزاره‌های اخباری و انشائی ریشه معرفت‌شناختی دارند که بر اساس باید- شناختی (کنشی) و هست‌شناختی (توصیفی) مورد تحلیل قرار می‌گیرند و این موضوع رنگ و بوی فلسفی به بحث می‌بخشد. نظریه کارگفت که یکی از نظریه‌های فلسفه زبان است و عمده کار خود را روی تحلیل گزاره‌های توصیفی و اجرائی گذاشته است، می‌تواند نظریه مناسبی برای تحلیل ساختارهای زبانی با رویکرد تربیتی باشد.

پژوهش حاضر می‌کوشد تا به سوالات زیر پاسخ دهد:

۱- کارگفت‌ها چه نقشی در فهم توان منظوری گزاره‌های زبانی دارند؟

۲- راهبردهای تربیتی در کدام گزاره‌های زبانی کاربری شده اند؟

مقاله حاضر می‌کوشد، از یک سو با ابزار کتابخانه‌ای به گردآوری داده‌ها و روش توصیفی- تحلیلی به استخراج نمونه‌ها، شرح و واکاوی آن‌ها بپردازد و از سوی دیگر در سایه نظریه کارگفت و کنش‌های گفتار پنج‌گانه سرل، گزاره‌های زبانی مشتمل بر راهبردهای تربیتی را مورد مذاقه قرار دهد و توان منظوری آنها را واکاوی کند.

۱. پیشینه پژوهش

پژوهش‌های زیادی در زمینه رویکردهای تربیتی و کنش‌های گفتار در قرآن انجام شده است. در ذیل به برخی از آن‌ها جهت اشاره می‌شود:

- رساله دکتری: «زبان قرآن با رویکرد تربیتی» (۱۳۹۳ش)، به قلم سعید عباسی نیا، دانشگاه معارف اسلامی قم. این پژوهش به بررسی نحوه تعامل مولفه‌های مختلف زبانی با یکدیگر در پرتو اهداف تربیتی قرآن، با نقش محوری انگیزش در تربیت، اشاره نموده است.

- مقاله: «روش‌های اصلاحی در تربیت اخلاقی قرآن کریم»، به قلم مصطفی احمدی فر و داد محمد امیری. مجله آموزه‌های قرآنی. این پژوهش با تکیه بر روش تذکر، انذار، تنبیه و تغافل، شیوه‌های حذف و اصلاح رذایل اخلاقی را مورد بررسی قرار داده است.

- رساله دکتری «تحلیل نشانه‌شناسی جزء ۲۹ و ۳۰ قرآن کریم با رویکرد تربیتی» (۱۴۰۱ش)، با کوشش فریبا سرلک دانشگاه سمنان. به بررسی دو راهبرد تربیتی ترغیب و ترهیب با رویکرد نشانه‌شناسی در سطح بینشی نظیر خداشناسی، جهان‌شناسی، اسوه‌شناسی و... و سطح زبانی نظیر آوایی، واژگانی، ساختاری و دلالتی دو جزء آخر قرآن کریم پرداخته است.

- مقاله: «نقش و جایگاه آموزه‌های تربیتی در دو آیه اول سوره حمد در رساندن انسان به کمال» (۱۴۰۳ش) به قلم علی نبی‌اللهی و محمد جواد یزدی، مجله پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی.

هدف این پژوهش بررسی دو آیه اول سوره مبارکه حمد است که بیشتر به بسم الله، صفات الرحمان، الرحيم و روبيت خداوند توجه کرده و رفتارها و اعمال انسان را بر مبنای کلیات این صفات تنظیم می‌کند. پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد که به پدیده تربیت در قرآن کریم توجه شده و از منظرهای مختلفی به آن پرداخته شده است که شامل پژوهش‌های ساختارمند مانند نشانه‌شناسی و محتوایی مانند استخراج اصول تربیتی می‌شوند. اما کارکرد کارگفت‌ها در گزاره‌های زبانی مشتمل بر راهبردهای تربیت در جزء ۲۸ مغفول مانده است.

۲. نظریه کارگفت

کاربردشناسی یکی از شاخه‌های زبان‌شناسی متن است که ریشه در فلسفه زبان^۱ دارد. این نظریه در نظریات فیلسوفانی نظیر لودویگ وینگشتاین، چارلز موریس، پتر فردریک استراوسن و پل گرایس^۲ مطرح شد که به طور اختصاصی روی زبان و رابطه آن با فلسفه ذهن کار می‌کردند؛ تا ضعف دیدگاه‌های فلسفی نظیر نظریه‌های مشروط به صدق با کاربردی تر کردن زبان و استفاده آن در مکالمات روزمره کاهش یابد. فیلسوفان فلسفه زبان اعتقاد دارند: دلیل اصلی مشکلات اساسی در فلسفه و اختلاف نظر در آن به سوء فهم فلاسفه، از زبان بر می‌گردد (صحراوی، ۲۰۰۵، ص. ۲۳)، و این به معنی عدم توجه به زبان و کاربرد آن است. کاربردشناسی «Pragmatics»، به مطالعه زبان کاربردی شده در بافت می‌پردازد. موریس کاربردشناسی را شاخه‌ای از نشانه‌شناسی می‌داند که به تحلیل رابطه زبان با کاربران آن می‌پردازد و میزان تأثیر و تأثر آن را نیز بین کاربران بررسی می‌کند (بوقرة، ۲۰۰۴، ص. ۱۷۶). در واقع موریس با این تعریف به دنبال فهم قصد کاربر زبان و میزان تأثیرگذاری آن بر مخاطب به کمک نظم نحوی و معنایی (علم نحو و معناشناسی) است. آرمینکو می‌گوید: «کاربردشناسی، به زبان به عنوان یک پدیده گفتمانی، ارتباطی و اجتماعی می‌پردازد» (آرمینکو، ۱۹۸۷، ص. ۸). در این صورت؛ ویژگی‌های کاربران زبان و شرایط حاکم بر فرآیند ارتباط (بافت اجتماعی- فرهنگی) و تأثیر هر کدام را بر زبان کاربردی شده بررسی می‌کند. فان دایک کاربردشناسی را به منظور تحلیل کارگفت‌ها و کارکرد و ویژگی آن‌ها در یک ارتباط زبانی در یک بافت مشخص، به کار می‌گیرد (فان دایک، ۲۰۰۱، ص. ۱۱۴). فان دایک مفهوم کاربردشناسی را با نظریه کارگفت گره می‌زند و آن را یکی از شاخه‌های اصلی کاربردشناسی می‌داند به گونه‌ای که در تحلیل کاربردشناسی هر متنی، ناگزیر با کارگفت‌های کاربردی شده در آن متن مواجهیم. کنش معنادار در این کارگفت‌ها بر مبنای روابط میان سوژه (فاعل کنش) و ابژه (هدف یا مخاطب) یا میان پیام دهند و گیرنده در قالب تعامل و نظام برخواسته از آن صورت می‌پذیرد (عرب، ۱۴۰۴).

نظریه کارگفت که توسط جان آستین^۳ مطرح و توسط جان سرل^۴ به شکوفایی رسید، در لاتین به اصطلاح «Speech Act» شناخته می‌شود. کارگفت یعنی رفتار یا کنش اجتماعی یا قرار دادی (سازمانی) که انسان با سخن به وسیله زبان در یک بافت مشخص با هدف معین انجام می‌دهد (صحراوی، ۲۰۰۵، ص. ۱۰). کارگفت یک پدیده اجتماعی است که به محض کاربردی عناصر زبان توسط کاربران در جهت تشکیل یک ارتباط کلامی با هدف تحقق یک کنش معین شکل می‌گیرد. آستین نظریه کارگفت را جهت رد عقیده وصف‌گرایی^۵ (ارجاعی) مطرح کرد و اعتقاد دارد: پاره گفتارهایی وجود دارد که توجه ما را به "کنشی" که به وسیله آن‌ها انجام می‌شود، جلب می‌کند. این کنش در زمره اعمال اجتماعی و قراردادی قرار می‌گیرد (لایکان، ۱۳۹۱، ص. ۳۱۱). سرل نیز ارتباط با زبان را، رفتاری از روی نیت و قاعده‌مند می‌داند، بنابراین ارتباط زبانی یعنی با هماهنگی قواعد، کنش‌ها اجرا گردند (سرل، ۱۳۸۷، ص. ۴۷). بر این اساس آستین و سرل محور اصلی نظریه کارگفت را مبتنی بر کنش‌گرایی می‌گذارند و کارکرد توصیفی زبان را مناسب خیلی از پاره گفتارهای زبانی نمی‌دانند؛ زیرا آن‌ها «در پی توسعه "معنا" در عرصه "نیرو در گفته" و قاعده‌مند

1. Philosophie of langage

2. Ludwig Wittgenstein, Charler, s Moris, Peter Fredrick Strawson, Paul Grice

3. John Austin

4. John Searle

5. Descriptions

سازی آن در قالب "کارگفت" بودند» (صانعی پور، ۱۳۹۰، ص. ۲۴). بر این اساس محور تحلیل کارگفتی متن، کاربری و بازشناسی زبان در قالب "کنش" است که در سه لایه زیر مورد بررسی است:

"کنش گفته"^۱: کاربری عناصر زبان که داری نظم نحوی و معنایی خاصی باشد. "کنش درگفته"^۲: کاربر زبان هنگام کاربری زبان کاری را به صورت مستقیم یا غیرمستقیم انجام می‌دهد که از آن به عنوان توان منظوری یاد می‌شود "کنش باگفته"^۳: کار یا اثری (مثل متقاعد کردن، ترساندن) که کاربر زبان به وسیله گفتن انجام می‌دهد (آستین، ۱۹۹۱، ص. ۱۱۵-۱۱۷؛ سرل، ۱۳۸۷، ص. ۳۳). هر یک از کنش‌ها مربوط به اطراف سه گانه فرایند ارتباطی می‌شود؛ کنش گفته (عبارت/ پارامفتار/ متن)، کنش درگفته (گوینده و قصد آن) کنش با گفته (گیرنده و تأثیر پذیری او). آنچه از سه کنش بالا مهم انگاشته می‌شود، و نظریه کارگفت را به عنوان یک نظریه بافتاری و ارتباطی معرفی می‌کند، کنش درگفته است؛ زیرا این کنش از یک سو ساختارهای نحوی کاربری شده در کنش درگفته را هدفمند می‌سازد و از سوی دیگر نقش گفتار در ارتباط کلامی را ترسیم می‌شود. به همین جهت توان کارگفت‌ها (مستقیم یا غیر مستقیم) بر اساس آن، تقسیم بندی می‌شود. از آنجایی که تحلیل جامعه آماری بر اساس نمونه جان سرل خواهد بود لذا تقسیم بندی پنج گانه سرل به طور خلاصه در جدول زیر ارائه می‌شود:

نوع کنش	تعریف
اظهاری ^۴	گوینده انجام شدن یا نشدن کاری را در جهان خارج با کلمات بیان می‌دارد.
ترغیبی ^۵	گوینده مخاطب را به انجام یا ترک عملی ترغیب می‌کند.
تعهدی ^۶	گوینده برای انجام یا ترک عملی تعهد نماید.
عاطفی ^۷	احساس گوینده را در وقوع عملی بیان می‌دارد.
اعلامی ^۸	گوینده شرایط تازه‌ای را برای مخاطب به شرط داشتن اختیار قانونی و عرفی اعلام می‌کند

جدول ۱: کارگفت‌های پنج‌گانه سرل

سرل بعد از اصلاح نظریه استادش آستین – علی رغم اختلاف ناچیز – به این تقسیم‌بندی رسید. سپس توان منظوری کارگفت‌های یاده شده را به کارگفت مستقیم و غیر مستقیم تقسیم کرد.

۳. کارگفت در گزاره‌های زبانی راهبردهای تربیتی

تشویق، تهدید، تذکر و الگوسازی از مهمترین راهبردهای تربیتی است که جزء بیست هشتم قرآن کریم مورد توجه است. از این روی، گزاره‌ای زبانی مشتمل بر خبر و امر و توان منظوری آشکار و پنهان آنها، نگاه این جستار را به خود معطوف کرده است که در نظام کارگفت مورد تحلیل قرار می‌گیرد:

۳-۱. تشویق

تشویق در لغت یعنی انگیزه ایجاد کردن. در اصطلاح، عاملی که بتواند منشاء ایجاد ذوق و شوق، تحرك و امید و علاقه در انسان شده و باعث استجابیت دعوت حق گردد (خلیل حیدر، ۲۰۱۳: ۴). راهبرد تشویق باعث ایجاد انگیزش برای انجام یا تداوم عمل توصیه شده است. خداوند در آیه ۶ سوره تحریم با کاربری گزاره‌ی امری می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْجِبَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَظُ

¹. Locutionary Act

². Illocutionary Act

³. Perlocutionary Act

⁴. Representatives act

⁵. Directives act

⁶. Commissives act

⁷. Expressives act

⁸. Declarations act

شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ) (التحریم: ۶). سید قطب می‌گوید: این آیه بیانگر روش محکم سازی بنیان خانواده به عنوان اساس یک جامعه است که خداوند دوگانه‌های متعددی را مقابل هم قرار می‌دهد اول: تقابل تکلیف الهی و استجابیت بندگی. دوم: مسؤولیت فردی و خانوادگی. سوم: تقابل دستور و صبر. و چهارم: تقابل خوف و امید (قطب، ۱۴۱۲، ج ۲، ص. ۶۴۹).

رویکرد تربیتی تشویق نزدیک به همین تقابل چهارم دوگانه‌های یاد شده یعنی بیم و امید است. به صورت طبیعی این‌گونه است که همیشه ترس و خوف باعث امنیت روحی و جسمی انسان در آینده می‌شود، ترس حالت نفسانی به شمار می‌آید که پاسخی حیاتی به تهدیدات احتمالی جسمی و عاطفی است (عافل، ۱۹۷۳، ص. ۱۷۷). در این آیه مؤمنان جهت دور شدن از جهنم، به تربیت خود و خانواده تشویق می‌شوند البته می‌توان آن‌را به صورت ضمنی تهدیدی برای کافران به شمار آورد که بافت زبانی در گزاره‌ی ندائی بیانگر این موضوع است: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَعْتَذِرُوا) (التحریم: ۷). اما با توجه به اینکه مؤمنان را در ابتدای آیه ۶ مورد خطاب قرار می‌گیرند، تشویق پررنگ‌تر است.

کنش لفظی آیه متشکل از گزاره‌ی امری (قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ) است. کارگفت امری بیانگر کنش ترغیبی در گزاره است. هدف از کنش ترغیبی، تشویق و ترغیب مخاطب به انجام یا ترک کاری در آینده است. گوینده با به کارگیری این نوع کنش، دیگری را به عنوان شنونده و مخاطب خود به انجام کاری یا ترک آن وادار می‌دارد. گوینده با کار بست این کنش، جهان خارج را از طریق شنونده با کلمات هماهنگ می‌سازد (سرل، ۲۰۰۶، ص. ۲۱۸). فعل امر (قوا) در آیه به شکل مستقیم بر ایجاب اطلاق می‌شود. سیوطی تأکید می‌کند که از معانی اصلی و أرجح صیغه امر، ایجاب و واجب کردن است (سیوطی، ۱۴۱۶، ج ۲، ص. ۲۱۸)، اما کاربردشناسان این شرط را برای تحقق گزاره امر کافی ندانسته و صیغه را با عنصر سلطه و قدرت همراه می‌کنند و توفیق و برتری متکلم بر مخاطب را لازم بر می‌شمارند. در اینجا هر دو شرط قابل الاجرا است. شرط اول از طریق بافت زبانی و تلفظ صیغه امری (قوا) و شرط دوم کاربر زبان، ذات اقدس الهی است که سرآمد همه قدرت‌هاست. بر این اساس مخاطب ملزم به انجام فعل می‌شود. این کنش، کنش اولیه و سطحی آیه به شمار می‌آید.

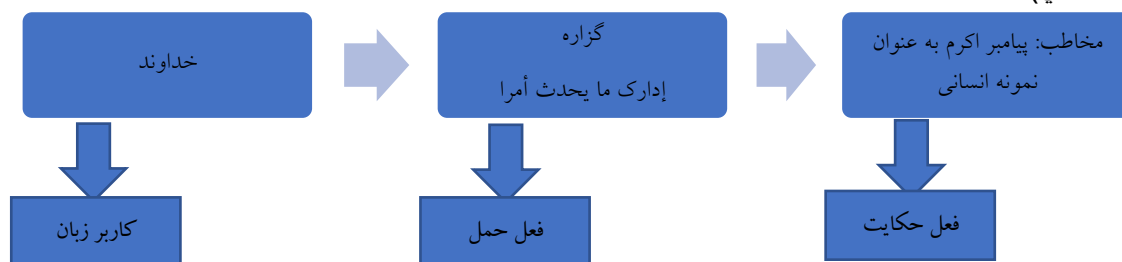
توان منظوری کارگفت مذکور، تشویق و ترغیب مؤمنان از دوری گزیدن از آتش جهنم است. این امر از بافت پیرامونی مخاطبه و بافت زبانی مشخص می‌گردد، موضوعی که در تحلیل کاربردشناسانه زبان از اهمیت خاصی برخوردار است؛ زیرا بار و توان کارگفت‌ها با ادای واژگان و جملات در تقابل با بافت پیرامونی و موقعیتی کاربرد زبان قابل فهم است. در تفاسیر آمده است: که روزی حضرت رسول، رازی را به یکی از همسرانش (حفصة بنت عمر) در میان می‌گذارد، او نیز، آن را برای عایشه بازگو می‌کند. این امر خاطر حضرت را آزوده کرده و حفصه را تا مدتی به خود حرام می‌کند و خداوند نیز از پیامبر حمایت می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۴، صص. ۲۹۸-۲۹۹؛ سید قطب، ۱۴۲۵، ج ۸، ص. ۱۶۸). گزاره‌های زبانی همنشین با این آیه در بافت زبانی سخن پیشین را اثبات می‌کند. از یک سو گزاره زبانی ((لَمْ تَحْرَمْ) و اکنش پیامبر را نسبت به افشای راز بیان می‌کند، از سوی دیگر آیه (عَسَى رَبُّهُ أَنْ طَلَفَنَّ أَنْ يُبْدِلَهُ أَزْوَاجًا خَيْرًا مِنْهُنَّ) (تحریم: ۵) حمایت قاطعانه خداوند از آن جانب را نشان می‌دهد.

با این اوصاف توان منظوری کارگفت مذکور متفاوت از توان سطح زبانی است، به نحوی که نمی‌توان صیغه فعل امر را حقیقی با بار و توان ایجاب در نظر گرفت بلکه نوعی تشویق و ترغیب برای مؤمنان در آن نهفته است. لذا راهبرد تربیتی تشویق در این بافت زبانی قابل پی‌جویی است؛ زیرا با تکیه بر شأن نزول آیه و تأمل در بافت زبانی و آیات همنشین، خداوند روی سخن را از همسران حضرت رسول گرفته و آن را متوجه تمام مؤمنان می‌کند این الفتات نمی‌تواند بی هدف باشد؛ بدین ترتیب است که می‌توان گفت: خداوند آن‌را فتنه و توطئه سراسری در خانه مؤمنان می‌داند. الزهرانی می‌گوید: سوره تحریم به صورت کلی در صدد بیان پیدایش یک توطئه در جامعه اسلامی است؛ از این رو جا دارد به مؤمنان هشدار داده شود خود را از غرق شدن در این فتنه و فساد حفظ کنند (الزهرانی، ۱۴۱۲، ص. ۶۸).

عدم شتابزدگی در امر طلاق موضوع دیگری است که می‌شود در آن راهبرد تشویق را مشاهده کرد: (لَا تَدْرِي لَعَلَّ اللَّهَ يُخْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا) (الطلاق: ۱).

در این آیه، گزاره‌ی زبانی در یک ساخت نحوی معنادار به وسیله اصوات، عبارت و جملات به کار گرفته شده است که سرل از آن به عنوان کنش لفظی یاد می‌کند. در این گزاره، خداوند به عنوان کاربر زبان به شمار می‌آید که از طریق بافت بیرونی و معمول قرآن و ذکر واژه (الله) در بافت زبانی اثبات می‌گردد و

پیامبر به عنوان مخاطب در بافت زبانی و به وسیله ضمیر مستتر (أنت) در فعل (تدري) و ذکر عبارت (یا ائها النبی) در ابتدا آیه روشن است:



توان منظوری این آیه که در یک ساخت نحوی و گزاره خبری بیان شده است، در نگاه اول به صورت کارگفت اظهاری قابل پی‌جویی است. در این کارگفت کاربر زبان از طریق بیان گزاره‌ای زبانی، واقعیتی را تعریف، توصیف و بیان می‌دارد که احتمال صدق و کذب آن می‌رود و با جهان خارجی منطبق است (سرل، ۲۰۰۶، ص ۲۱۷). با استناد به این تعریف و شروط اجرایی آن نمی‌توان، توان منظوری این کارگفت را اظهاری دانست؛ زیرا خداوند هرگز قصد توصیف جهان خارجی را ندارد.

آیه مذکور شامل اعمال حسنه‌ای در موضوع طلاق است؛ اول نگه داشتن عده، دوم پرداخت کامل حق و حقوق زن (نفقه)، و عدم بیرون راندن وی از خانه تا پایان زمان عده (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۲۴، ص ۱۲۴). این محاسن سه گانه بیانگر آن است که خداوند در صدد تربیت پیامبر (گیرنده عینی متن) و آموزش او در زمینه مسائل مربوط به طلاق است، لذا این پاره گفتار را می‌توان نوعی آینده‌نگری و امید به آینده تلقی کرد؛ زیرا تشویق در سیاق آیات قرآنی امید به وعده الهی در آینده است. به بیان بهتر، حدود نافع‌ای که خداوند در این آیه ترسیم می‌کند، پیامبر را به طور خاص و انسان را به طور عام به عدم ترک آن تشویق می‌کند و او را از مخالفت با آن‌ها نهی کرده است، لذا توان منظوری این کنش می‌توانست با گزاره زبانی و اسلوب خبری (لا تعرف شینا من المستقبل فلا تفعل عکس ما نقول) بیان شود.

اهمیت کارگفت این آیه در تبیین راهبرد تشویق این‌گونه روشن می‌شود که ارتباط زبانی بر دو عنصر اصلی قصد گوینده و ابزار زبانی قاعده‌مند استوار است. نظریه کارگفت نیز رفتار زبانی قاعده‌مندی است که انسان، با سخن گفتن به صورت کاملاً ارادی (قصدی) آن را انجام می‌دهد (سرل، ۱۳۸۷، صص ۴۷ - ۴۸)، بدین ترتیب توان منظوری این آیه مخاطب را به سمت تشویق به عنوان یک راهبرد تربیتی رهنمون می‌سازد، در صورتی که گزاره زبانی آیه چنین کنشی را نشان نمی‌دهد، به همین خاطر کارگفت موجود در آیه با تکیه بر سیاق بیرونی و ساختار درونی زبان مورد نظر است.

۲-۳. تهدید

هر آنچه که در باب تشویق انسان در انجام کاری رغبت دارد در تهدید از آن منع می‌شود. تهدید یکی از راهبردهای تربیتی قرآن محسوب می‌شود تا انسان را از فحشاء و منکر دور کند (زبدان، ۲۰۰۲، ص ۳۸۹)، در حقیقت تهدید، تنبیه و سرزنشی برای انجام شدن کار منع شده است. تهدید بر خلاف تشویق یک راهبرد بازدارنده است تا انسان از ارتکاب گناه و اشتباه ترس داشته باشد.

دعوت‌گری در قرآن، رویکرد تهدیدی است که مؤمنان با تسلیم در برابر آن در زمره بهشتیان قرار می‌گیرند: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ) (الممتحنة: ۱).

در شأن نزول این آیه آورده‌اند: حاطب بن ابی بلتعنة نامه‌ای سری به مشرکین در مورد فتح مکه توسط رسول خدا، گزارش داد، او با این گزارش قصد داشت ارحام و اولادی را که در مکه داشت از خطر مشرکین حفظ کرده باشد. (طباطبایی، ۱۴۰۲، ج ۱۹، ص ۲۸۸). از شأن نزول مشخص می‌شود که برخی از مؤمنان جهت حمایت از اهل و عشیره خود با مشرکان دست دوستی داده و با آن‌ها رابطه پنهانی برقرار کرده‌اند. خداوند با کاربری گزاره زبانی نهی، آشکارا این موضوع را نهی کرده است که بیانگر پرهیز از دوستی با دشمنان خدا می‌باشد.

تحلیل کارگفت این آیه بر مبنای پاره گفتار مقرون به گزاره زبانی مشتمل بر فعل نهی (لَا تَتَّخِذُوا ...) می‌باشد. این گزاره با حروف، کلمات و روابط نحوی بین آن‌ها کنش لفظی را تشکیل می‌دهد که از نظر سرل آنچه کاربر زبان، در قالب یک عبارت و گزاره سالم و با رعایت اسناد نحوی تلفظ می‌کند، کنش لفظی نام

می‌گیرد(سرل، ۱۳۸۷، ص. ۵۴). در پی این کنش لفظی، قضیه یا گزاره‌ای بیان می‌گردد که شامل فعل حکایی و فعل حملی است:



تبیین فعل حکایت از طریق بافت زبانی آیه انجام می‌شود. مخاطب آیه مؤمنان هستند که عبارت ندایی "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا"، ضمیر "واو" در (لا تتخذوا) و "کم" در (عدوکم) دال بر این امر است. خداوند با فعل نهی صریح، مؤمنان را از دوستی با مشرکان بر حذر می‌دارد لذا می‌توان کنش درگفته‌ها منظوری این کارگفت را تحذیر به شمار آورد. سیوطی عقیده دارد: معنای حقیقی صیغه‌های نهی دال بر تحریم است و متکلم با کاربست این‌گونه افعال قصد دارد تا فعل «حرام کردن» را تحقق بخشد(سیوطی، ۱۹۷۴، ج ۳، ص. ۲۲۳). با این اوصاف، کنش در گفته این آیه به صورت توان منظوری غیر مستقیم قابل پی‌جویی است؛ زیرا نیرو یا توان منظوری کارگفت مذکور "تحذیر" است و کنش قابل اجرا، کنش غیر مستقیم می‌باشد؛ کنشی است که بین ساختار نحوی و گزاره‌های زبانی پارمگفتار(کنش لفظی) و کارکرد کاربرشناختی آن رابطه غیرمستقیم وجود داشته باشد.

هشدار و تحذیر خداوند به مؤمنان به عنوان بار نهفته در کارگفت آیه، تهدیدی است تا حمایت از رسول خدا در فتح مکه از طرف مؤمنان تداوم داشته باشد و دعوتگری در قالب تهدید بدین معناست که مخاطب از مسیر منحرف شده است. «تهدید و ترهیب از راهبردهای مهم دعوتگری در سیاقی قرآنی است و زمانی به کار گرفته می‌شود که مدعو (فراخوانده شده) حکم الهی را نادیده بگیرد و عملاً از مسیر حق منحرف شده باشد (العانی، ۱۹۹۵، ص. ۲۱۲).

گاهی تهدید در سیاق قرآنی، انسان را متوجه زیان و خسروانی می‌کند که ممکن است در آینده گریبان‌گیر او شود. این موضوع در سوره تغابن قابل پی‌جویی است: (هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ فَمِنْكُمْ كَافِرٌ وَمِنْكُمْ مُّؤْمِنٌ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ) (التغابن: ۲).

با تکیه بر همین مفهوم لغوی تغابن که به معنای ضرر و زیان است (ابن فارس، ۱۹۹۱، ماده غبن)، مقصد کلی سوره که دلالت بر خسروان کافران و گمراهان در روز قیامت است، مشخص می‌شود. آیه ۹ همین سوره بر این ادعا صحه می‌گذارد جایی که خداوند می‌فرماید: (يَوْمَ يَجْمَعُكُمْ لِيَوْمِ الْجَمْعِ ذَلِكَ يَوْمُ التَّغَابُنِ) (تغابن: ۹). در اینجا يوم التغابن استعاره از روز قیامت گرفته شده که جامع در آن‌ها وجود خسروان و زیان است.

آیه دوم از سوره تغابن از این قصد و معنا دور نیست. این آیه تقابل بین کافران و مؤمنان را نشان می‌دهد به همین خاطر جهت تحلیل کارگفت آیه، به پارمگفتار (وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ) بسنده می‌شود. در این عبارت کنش لفظی با ادای واژه‌ها توسط کاربر زبان (خداوند) تشکیل شده است که خداوند قصد دارد تا گزاره‌ای را با مخاطب/ مخاطبان خود انتقال دهد. فعل حکایی در این عبارت کافران و مؤمنان هستند که در بافت زبانی با تکیه بر ضمیر بارز "واو" با مرجع کافر و مؤمن در عبارت قبل روشن می‌گردد. این گزاره خبری جمله اسمیه از جانب یک متکلم مشخص برای مخاطب/ مخاطبان مشخص با گزاره‌ای مشخص کاربری شده که تشکیل دهنده کنش لفظی و محتوای گزاره‌ای است.

کنش درگفته این کارگفت در یک گزاره‌ی خبری قابل بررسی است به طوری‌که در خوانش سطحی از آیه و بدون در نظر گرفتن روابط همنشینی با آیات دیگر و بافت بیرونی مخاطبه، خداوند در پی گزارش یا اظهار خبری تحت عنوان (أَنَا عَالِمٌ بِكُفْرِكُمْ وَإِيمَانِكُمْ وَهُمَا مِنْ عَمَلِكُمْ) می‌باشد که در این صورت توان منظوری در این کنش از نوع اظهار می‌شود؛ سرل شروط اجرای کنش اظهار را این‌گونه بیان می‌دارد: کاربر زبان قصد بیان واقعیت یا قضیه خاصی را داشته باشد و صحت این گزاره را بر عهده بگیرد که در این صورت کلام به مجرد ادای واژه‌های آن با جهان بیرون منطبق است (البرزی، ۱۳۸۵، ص. ۹۲). خداوند در پی توصیف واقعیتی برای مخاطبان خود و انطباق آنی سخن با جهان خارج است!؟

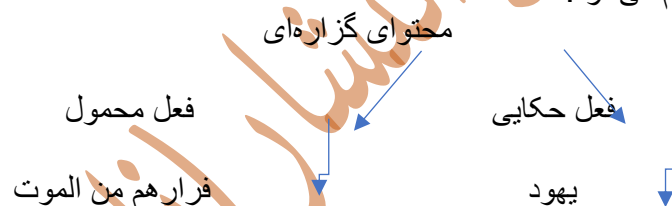
در اینجا لازم است به گفتمان خداوند در ابتدای همین آیه اشاره کرد. خداوند در ابتدای آیه از خلقت صحبت می‌کند و در بافت وساختاری زبانی آیت فعل "خلقت" را به خود سپس فعل "کفر و ایمان" را به مخلوقات و در آخر "بصیرت" را نیز به خود نسبت می‌دهد. سپس با تقسیم مخلوقات به کافر و مؤمن (فَمِنْكُمْ

كَافِرٌ وَمِنْكُمْ مُؤْمِنٌ) با آگاهی و بصیرت کامل جزای آن‌ها را موکول به آینده (روز قیامت) می‌کند. این استدلال با گزاره و عبارتهای زبانی (وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ) و (لِيَوْمِ الْجَمْعِ) (تغابن: ۳ و ۹)، روشن می‌گردد. بر این اساس ذکر گزاره خبری (وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ) در پایان آیه می‌تواند خط و نشانی برای فعل "کفر" و نویدی برای فعل "ایمان" باشد. بقاعی می‌گوید: سوره تغابن عموماً تقابل گفتمانی بین مشرکین و مؤمنین را مطرح کرده و خصوصاً سرنوشت مشرکان را در روز قیامت به تصویر می‌کشد به همین دلیل است که سوره به عنوان تغابن یعنی خسران و زیان نام نهاده شده است (البقاعی، ۱۹۸۹، ج ۳، ص. ۸۱). علاوه بر آن، در ساختار زبانی آیه با تقدیم، کافر بر مؤمن می‌توان استدلال کرد که خداوند در این آیه اهل کفر را اغلب و اکثر می‌داند. بر این اساس، می‌شود گفت: گزاره خبری در پایان آیه بیشتر رنگ و بوی تنبیه و سرزنش دارد یا به عبارت ساده‌تر خداوند برای اهل کفر خط و نشانی کشیده و آن‌ها را تهدید به تنبیه در روز قیامت می‌کند، لذا راهبرد تربیتی در در گزاره‌های خبری یاد شده را، با بیان توان منظوری سرزنش و تنبیه می‌توان تهدید در نظر گرفت، عاملی که «جهت فراهم کردن بیم برای ترک سوء و فعل حرام انجام می‌شود» (دهقانی و یحیی آبادی، ۱۳۹۶، ص. ۴).

۳-۳. تذکر و یادآوری

انسان همواره در معرض فراموشی و نسیان بوده و تذکر و یادآوری یکی اساسی‌ترین نیازهای او در مسیر حیات می‌باشد. «تذکر در لغت به معنای حضور شی و به یاد آوردن آن می‌باشد؛ چه حضور قلبی و چه ذهنی باشد، چه در کلام و زبان تجلی یابد. به قرآن ذکر گویند؛ زیرا یادآور و بیان کننده حقایق دنیا و آخرت است و صورتی از حقایق را در ذهن و قلب انسان یادآوری می‌کند» (قائمی مقدم، ۱۳۹۹، ص. ۳۰). به هر حال، آنچه مهم است، راهبرد تذکر به عنوان یکی از راهبردهای تربیتی در قرآن است. خداوند در سوره جمعه می‌فرماید: (قُلْ إِنَّ الْمَوْتَ الَّذِي تَفِرُّونَ مِنْهُ فَإِنَّهُ مُلَاقِيكُمْ ثُمَّ تُرَدُّونَ إِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ) (الجمعة: ۸).

کنش لفظی مورد نظر، در گزاره (إِنَّ الْمَوْتَ الَّذِي ...) است. با ادای واژه‌ها و ایجاد روابط درست نحوی بین آن‌ها کنش لفظی تولید می‌شود. کنش قضیه‌ای که از طریق ساختار زبانی و بافت بیرونی مخاطبه مشخص می‌گردد به شکل زیر ترسیم می‌شود:



فعل حکایی این آیه به عنوان یک عنصر ارجاعی از طریق بافت متنی و زمینه آیات مشخص است. خداوند در آیه ۵ می‌فرماید: (الَّذِينَ خُمِلُوا التَّوْرَةَ)، تورات به عنوان یک نشانه، بیانگر مخاطب بودن یهودیان است و همچنین در آیه ۶ (أَنْتُمْ أَوْلِيَاءُ لِلَّهِ) واژه اولیاء نشان می‌دهد، آیه خطاب به یهودیان است، کما اینکه آیه ۱۸ سوره مائده بر این استدلال صحه می‌گذارد: (وَقَالَتِ الْيَهُودُ وَالنَّصَارَىٰ نَحْنُ أَبْنَاءُ اللَّهِ وَأَحِبَّاؤُهُ) (المائدة: ۱۸) «یهود و نصارا گفتند ما پسران خدا و دوستان خاص او هستیم». بنابراین ضمیر "او" در فعل (تَفِرُّونَ) و ضمیر "کم" در (مُلَاقِيكُمْ) به یهودیان بر می‌گردد. این توضیح نشان می‌دهد خداوند به عنوان کاربر عینی زبان، گزاره مذکور را بر یهودیان حمل می‌کند.

کنش درگفته این آیه در یک ساختار شرطی و خبری کاربری شده است که در خوانش سطحی از لایه ظاهری زبان به صورت کنش مستقیم قابل پی جویی است. به نظر می‌رسد خداوند گزاره خبری را کاربری کرده و قصد دارد اطلاعی را به مخاطب خود انتقال دهد. کنش‌های اطلاع دهنده در تقسیمات پنج‌گانه سرل زیر مجموعه کنش اظهاری و ترغیبی قرار می‌گیرد، بدین معنا که کاربر زبان با کاربری این کنش‌ها به مخاطب اطلاعاتی می‌دهد که در این صورت مسؤلیت اجرای کنش با گوینده می‌باشد و سخن با جهان خارج هماهنگ می‌شود و یا این‌که کاربر زبان به عنوان گوینده از مخاطب کسب اطلاع می‌کند که در این صورت مسؤلیت اجرای کنش با مخاطب است و جهان خارج با کلمات هماهنگ می‌شود (البرزی، ۱۳۸۵، ص. ۱۰۱).

اگر چه این گزاره به صورت خبری و اظهاری کاربری شده است اما با توجه به بافت پیرامونی مخاطبه و رابطه همنشینی با ساختار زبانی دیگر آیات، روح خطاب رنگ و بوی دیگری می‌گیرد. نظریه کارگفت به

عنوان یک نظریه بافتاری، تأویل و تحلیل گفتمان را بر اساس شرایط کاربرد زبان انجام می‌دهد و صرفاً به مؤلفه‌های زبانی بسنده نمی‌کند. ون دایک می‌گوید: «گونه‌های مختلف کنش‌های گفتار را نمی‌توان با خوانش اولیه و نگاه سطحی، برچسب توصیفی، اجرایی، تعهدی و... بر آن‌ها زد، بلکه تأویل آن‌ها نیاز به آگاهی از شرایط انجام و ادای کنش‌ها دارد» (ون دایک، ۲۰۰۰، ص. ۲۴۶).

یکی از موضوعاتی که سوره جمعه بررسی می‌کند یادآوری مرگ و روز معاد است که از آیه ۵ تا انتهای آیه ۸ را شامل می‌شود. زمینه این آیات به صورت کلی این است: یهود خود را امتی برگزیده و تافته‌ای جدا بافته می‌دانستند، تا جایی خود را پسران خدا می‌دانند: **﴿قُلْ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا إِن زَعَمْتُمْ أَنكُمْ أَوْلِيَاءُ لِلَّهِ﴾** که خداوند جهت بطلان این ادعا، آن‌ها را به مرگ دعوت می‌کند: **﴿فَتَمَنَّوْا الْمَوْتَ﴾**، اما آن‌ها سر باز می‌زنند: **﴿وَلَا يَتَمَنَّوْنَهُ أَبَدًا﴾**. ترس از مرگ، به خاطر یکی از دو عامل است: «یا انسان به زندگی بعد از مرگ ایمان ندارد. یا این‌که با وجود ایمان به آن روز اما پرونده اعمال خود را چنان تاریک و سیاه می‌بیند که از حضور در آن دادگاه بزرگ، سخت بیمناک است» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۴، ص. ۱۲۹). با توجه به ساختار زبانی آیات در مورد قوم یهود عامل دوم صادق است: **﴿وَلَا يَتَمَنَّوْنَهُ أَبَدًا بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ﴾**. اما این ترس و وحشت، بر دردی درمان نیست و مرگ، شتری است که در خانه همه می‌خوابد: **﴿فَإِنَّهُ مُلَاقِيكُمْ﴾**.

بنابراین، کنش در گفته عبارت فوق نمی‌تواند اظهاری باشد زیرا خداوند در مورد مرگ، قومی را خطاب می‌کند که در کتاب آسمانی‌شان (تورات) از آن به کرات سخن گفته و نسبت به آن، آگاهی کافی دارند، لیکن با توجه به دل مشغولی‌های آن‌ها به دنیا، یاد و خاطرشان از این امر خطیر غافل مانده است. لذا خداوند در یک جمله خبری به آنان وعده رویاروی به مرگ می‌دهد و آن‌ها را به این مسلم هشدار می‌دهد. شاید بسیاری از آیات به صورت مستقیم بیانگر دلالت راهبرد تربیتی تذکر و یادآوری نباشند، اما از یکسو هشدار به اموری نظیر فانی بودن دنیا و روز قیامت بیانگر چنین دلالتی می‌باشد، از سوی دیگر نظریه کارگفت با رویکرد بافتاری و در نظر گرفتن شرایط و احوال مخاطبه و خارج کردن کردن گزاره‌ها از کارکرد نحوی و معناشناختی، نقش کاربردی زبان را پررنگ می‌کند و راه ارتباطی بافت و محتوا و تأثیر و تأثر هر یک را باز می‌کند. پاره گفتار مذکور بدون در نظر گرفتن زمینه آیات و بافت پیرامونی نقش و کارکرد اظهاری داشت اما با تبیین بافت بیرونی و توجه به همنشینی آیه مذکور با آیات دیگر در بافت زبانی روشن شد که خداوند به صورت کنش غیر مستقیم در نظر دارد وعده مرگ را به بهویان یادآوری کند. وعده در زمره کارگفت تعهدی قرار می‌گیرد. در کنش تعهدی، گوینده به انجام کار یا ترک آن ملزم می‌شود. در حقیقت وضعیت را با تعهد خود تغییر می‌دهد، در این صورت مسئولیت انجام فعل با گوینده است و جهان خارج در یک زمانی به جز زمان تلفظ گفته با کلمات هماهنگ می‌شود (سرل، ۲۰۰۶، ص. ۲۲۱؛ آستین، ۱۹۹۱، ص. ۱۸۰).

۳-۴. الگوسازی

الگو به حالتی گفته می‌شود که «انسان به اطاعت و پیروی از خود می‌پردازد و در حوزه تعلیم و تربیت، الگو به شخصیتی اطلاق می‌شود که به دلیل داشتن برخی خصوصیات حسنه شایسته اطاعت و پیروی است» (قائمی، ۱۳۸۲، ص. ۲۶). راهبرد تربیتی الگوسازی به شدت در سامان‌دهی شخصیت و رفتار افراد تأثیر دارد.

خداوند در سیاق آیات قرآنی همواره زندگی انبیاء و اولیاء الهی را سرمشق دیگران قرار می‌دهد و آن‌ها را مناسب‌ترین الگو جهت رسیدن به سعادت انسانی معرفی می‌کند. مانند: **﴿قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ﴾** (ممتحنه: ۴). ابراهیم (ع) بزرگ پیامبران، که زندگیش سرتاسر، درس بندگی، عبودیت خدا، جهاد فی سبیل الله، و عشق به ذات پاک او بود، می‌تواند برای شما سرمشق خوبی در این زمینه گردد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۴، ص. ۲۹).

واژه‌ها و عبارات‌های آیه، کنش لفظی را تشکیل می‌دهند که گوینده آن خداوند و مخاطب آن مهاجرین مکه هستند، و کنش حکایی و حملی آن در کنش لفظی **﴿قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ﴾** خلاصه می‌شود. خداوند به عنوان کاربر زبان گزاره (اسوه بودن حضرت ابراهیم) را بر مهاجرین مکه حمل می‌کند که به شکل زیر ترسیم می‌شود:



سوره ممتحنة عموماً در مورد روابط انسانی صحبت می‌کند، به طوری‌که نتیجه دوستی با افراد مشرک را گمراهی و عذاب الهی تلقی می‌کند: ﴿وَمَنْ يَفْعَلْهُ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ﴾ (ممتحنة: ۱). در این آیه ضمیر موجود در (يفعله) به مفهوم عبارت (لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ) بر می‌گردد. در ادامه همین موضوع، حضرت ابراهیم (ع) را به عنوان نمونه معرفی می‌کند. علت این الگو سازی، به آیات قبل به ویژه آیه ۳ از همین سوره بر می‌گردد که می‌فرماید: ﴿لَنْ تَنفَعَكُمْ أَرْحَامُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَفْصِلُ بَيْنَكُمْ﴾ (الممتحنة: ۳). محتوای این آیه در پاسخ به این موضوع است که شما روزی را در پیش دارید که هیچ کس گری از کار شما باز نخواهد؛ زیرا - با ذکر گزاره خبری (يَفْصِلُ بَيْنَكُمْ) - در آن روز همه نسبت‌ها گسسته می‌شود، پس «شایسته نیست که آدمی با برقرار کردن ارتباط دوستانه با کافران به خاطر ارحام و فرزندان، به خدا و پیامبرش خیانت ورزد؛ در قیامت اینان او را از خداوند بی‌نیاز نمی‌کنند» (طباطبائی، ۱۴۰۲، ج ۱۹، ص. ۲۲۹).

زمینه آیات و همنشینی آن‌ها با آیه مذکور نشان می‌دهد که خداوند با توجه به ابعاد زندگی حضرت ابراهیم (ع) ایشان را به عنوان الگو، برای مهاجرین به طور عام و حاطب بن ابی بلتعہ به طور خاص معرفی می‌کند. از آنجایی که حضرت ابراهیم (ع) در رسالت خود و مبارزه با بت‌پرستان زمانه، با پدر خویش نرمش به خرج نداد، لذا مهاجرینی که انگیزه نجات خویشاوندان را داشتند این الگو می‌تواند به صورت غیر مستقیم الگوی مناسبی باشد. الگو سازی یکی از شیوه‌های غیر مستقیم پند و نصیحت است به این معنا که "الگو ساز" با آگاهی کامل از ابعاد زندگی "الگو"، "الگو بردار" را به کاری دعوت و یا ارشاد می‌کند.

از آنجایی که ساختار زبانی آیه و بافت پیرامونی مخاطبه در قالب موعظه و نصیحت شکل گرفته است، این فضا به کنش در گفته نیز رسوخ کرده و آن را مستقیماً تحت الشعاع قرار داده است. خداوند جهت اجرای کنش در گفته این پاره‌گفتار، به صورت غیر مستقیم به ابعاد زندگی حضرت ابراهیم (ع) اشاره دارد و بدون این‌که به تبیین آن بپردازد، کنش در گفته تکلیف را اجرا می‌کند در تقسیمات سرل از کارگفت‌های پنج‌گانه، این کنش در زمره کنش اعلامی قرار می‌گیرد. کنش اعلامی کنشی است که گوینده شرایط تازه‌ای را برای مخاطب اعلام می‌کند با این شرط که از نظر قانونی و عرفی این اختیار را داشته باشد، یعنی تغییر در وضعیت مخاطب یا در جهان خارج به وجود می‌آورد که مسئولیت اجرای آن کنش با مخاطب است. در این صورت جهان خارج از طرف مخاطب با کلمات هماهنگ می‌شود. البته لازمه ایجاد این تغییر آن است که گوینده دارای نقش اجتماعی و شرایط لازم باشد (سرل، ۲۰۰۶، صص. ۲۱۹-۲۲۰؛ آقاگل زاده، ۱۳۹۲، ص. ۱۴۲). خداوند با تعیین حد و حدود برای مهاجرین و این‌که در زندگی خود این‌گونه به مسیر سعادت برسید کنش اعلامی را اجرا می‌کند. این کنش در خوانش اولیه آیه به دست نمی‌آید بلکه با در نظر گرفتن بافت، زمینه مخاطبه و احوال مخاطب/ مخاطبان می‌توان به چنین تحلیلی رسید. از نظر سرل دلالت کارگفت را، بافت زبان کاربری شده مشخص می‌کند و مخاطب با توجه به شرایط متداول ارتباط زبانی در پی فهم و تحلیل آن دلالت می‌رود (سرل، ۲۰۱۵، ص. ۲۵۱).

خداوند برای مهاجرین تکلیف تعیین می‌کند که در زندگی خود از ابعاد مختلف زندگی حضرت ابراهیم (ع) پیروی کنید علت این الگو سازی می‌تواند از یک سو صداقت حضرت در زمینه رسالت دینی و اوامر الهی باشد و از سوی دیگر آثار تربیتی خاصی برای متربی (مهاجرین) در پی داشته باشد از جمله: «ایجاد زمینه عملی، عینی و کاربردی برای افراد، داشتن تأثیر گذاری فراوان در شکل‌گیری شخصیت افراد، ایجاد زمینه معاشرت و تعامل با افراد عاقل و تأثیر گذار و...» (رشیدی، ۱۳۹۸، ص. ۳۸۰).

مشارکت نویسندگان

همه نویسندگان بطور برابر در مفهوم سازی مقاله و نگارش پیش نویس اولیه و نسخه های بعدی آن اعم از نسخه باز نویسی شده و ویرایش شده و غیره مشارکت داشته اند.

سپاسگزاری

نویسندگان از معاونت پژوهشی دانشگاه سمنان بابت حمایت از این مقاله که نتیجه طرح پژوهشی الف می باشد تشکر می‌کنند.

ملاحظات اخلاقی

نویسندگان از جعل داده ها، تحریف، سرقت علمی و هرگونه سوء رفتار پژوهشی اجتناب کرده‌اند.

تأمین مالی

گرنیت پژوهشی دانشگاه سمنان حامی مالی این مقاله می باشد.

تضاد منافع

نویسندگان اعلام می‌کنند که هیچگونه تعارض منافع ندارند.

ابزار هوش مصنوعی مورد استفاده

در ویرایش ترجمه منابع به لاتین و نیز چکیده تفصیلی لاتین از ابزار هوش مصنوعی Chat GPT استفاده شده است.

نتیجه‌گیری

در آخر نتایج زیر در پاسخ به سوالات مطروحه به دست آمده است:

- **تشویق:** راهبرد تربیتی تشویق در مضامین قرآنی نظیر بشارت و مژده پادشاهای بهشتی، صبر و شکیبایی، رحمت الهی، امید، خرسندی و رضایت الهی، حق‌شناسی، اطاعت، ایمن‌سازی و... قابل پی‌جویی است و سیاق آن خطاب به مؤمنان است. اسلوب‌های زبانی در این راهبرد با گزاره‌های خبری، امری و نهی کاربری شده است. تنوع در اسلوب بیانگر تنوع در کنش‌های درگفته کارگفت‌ها بوده که این امر خود نشان از گسترش معنایی و توجه کاربر زبان به ماهیت گفتمان و مخاطب/مخاطبان و شناخت کامل احوال آنان است.

- **تهدید:** مضامین نظیر مشقت الهی، هشدار و انذار از عذاب‌های جهنمی، بیم و یأس، سرکشی، سرزنش، تخریب و... را شامل می‌شود که خطاب به مشرکان است گزاره‌های خبری و نهی‌ای تشکیل دهنده اسلوب‌ها و بافت زبانی این راهبرد به شمار می‌آید. اسلوب خبری؛ از آن جهت که توصیف رویداد دارد و با زبان ساده آینده را به تصویر می‌کشد و اسلوب نهی با شدت و حدت در آن نهفته است؛ زیرا این راهبرد چنین راهکاری را اقتضاده می‌کند. با توجه به مضامین یاد شده در مورد تشویق و تهدید هدف از هر دو راهبرد اصلاح انسان است و باید گفت: این دو رویکرد دو روی یک سکه هستند و در بسیاری از موارد و در سیاق آیات قرآنی، خداوند اگر بر راهبرد تشویق تکیه کرد در حقیقت به صورت ضمنی در پی تهدید نیز است اما با توجه به کارگفت و کنش درگفته متفاوت و خصیصه نظریه کارگفت در حوزه زبان کاربری شده و بافت پیرامونی آن، دو راهبرد مستقل در نظر گرفته شد زیرا در تشویق مؤمنان فعل حکایی و در تهدید مشرکان فعلی حکایی هستند.

- **تذکر و یادآوری:** آگاه کردن انسان و بیدار کردن او از خواب غفلت از مهمترین کارکردهای این کارگفت تربیتی است. در این راهبرد خداوند سعی دارد تا با یادآوری سرگذشت پیشینیان در زمینه‌های مختلف احساسات مخاطب را تحت تأثیر قرار دهد از جمله مضامین راهبرد تذکر و یادآوری می‌توان به هشدار، تخویف، پند و اندرز و به ویژه یاد مرگ اشاره کرد. با توجه به ماهیت این راهبرد، بیشتر کارگفت‌ها در آن به صورت کنش درگفته مستقیم و از نوع اظهاری در قالب وصف و توصیف سوژه زبانی می باشد و اظهاری بودن کنش‌ها و مستقیم بودن آن‌ها بیانگر قصد نزدیک‌سازی سوژه و تثبیت آن در ذهن مخاطب است.

- **الگوسازی:** در این راهبرد تربیتی رفتار، کردار و منش دیگران به عنوان الگو قرار می‌گیرد که در جزء ۲۸ قرآن کریم این راهبرد مختص پیامبر اسلام (ص) و حضرت ابراهیم (ع) است. خداوند از روی آگاهی کامل نسبت به فعل، قول و سیره، الگو را برای انسان می‌آورد. در الگو سازی زبان کاربری شده به صورت خبری جهت رفع شک و اقناع و باورپذیری مخاطب می‌آید. خداوند این راهبرد را برای هشدار، تمثیل، تأسی و... می‌آورد. از آنجایی که این راهبرد در شکل‌گیری شخصیت انسان و انتخاب هم‌نشین نقش بسزایی دارد لذا کارگفت کاربری شده در آن به صورت اظهاری و در قالب کنش درگفته مستقیم به کار رفته است.

فهرست منابع

قرآن کریم

آستین، جون (۱۹۹۱م)، *نظریه افعال الکلام*، الطبعة الأولى، ترجمة: عبدالقادر قینینی، دون مکان.

آلوسی، شهاب الدین محمود بن عبد الله الحسینی (۱۴۱۵هـ)، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی*، الطبعة الأولى، بیروت: دار الکتاب.

ابن فارس. (۱۹۹۱م). **معجم مقاییس اللغة**. تحقیق وضبط عبد السلام محمد هارون. المجلد الثاني. بیروت: دار الكتب العربیة.

أرمینکو، فرانسواز (۱۹۸۱م)، **المقاربة التداولیة، الترجمة**: سعید علّوش، الطبعة الأولى، بیروت: مركز الإهداء القومي.

البرزی، پرویز (۱۳۸۶ش)، **مبانی زبان شناسی متن**، چاپ اول، تهران: امیرکبیر.

البقاعی، إبراهیم بن أبی بکر (۱۹۷۹هـ)، **نظم الدرر فی تناسب الآیات والسور**، الطبعة الأولى، القاهرة: دار الكتاب الإسلامی.

بوقرة، نعمان (۲۰۰۸م)، **مدخل إلى التحلیل اللسانی للخطاب الشعري**، الطبعة الأولى، الأردن: عالم الكتب الحديثة.

خلیل حیدر، کیلان (۲۰۱۳م)، **الترغیب و الترهیب فی القرآن الکریم و أهمیتها فی الدعوة إلى الله**، مجلة کئیة العلوم الإنسانية، العدد ۱۳، صص ۱-۳۷.

رشیدی، شیرین (۱۳۹۸ش)، **آموزه های تربیت اخلاقی بر اساس معرفت شناسی قرآنی**، چاپ اول، قم: بوستان کتاب.

الزهرانی، أحمد بن عبد الله (۱۴۱۲هـ)، **التفسیر الموضوعی للقرآن الکریم ونماذج منه**، الطبعة الأولى، المدينة: الجامعة الإسلامیة بالمدينة المنورة.

زیدان، عبدالکریم (۲۰۰۲م)، **أصول الدعوة، الطبعة التاسع**، بیروت: مؤسسة الرسالة للطباعة والنشر.

سرل، جان (۱۳۸۷ش)، **أفعال گفتاری جستاری در فلسفة زبان**، ترجمه: محمد علی عبد اللهی، چاپ دوم، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

سرل، جان (۲۰۰۶م)، **العقل واللغة والمجتمع (فلسفة فی العالم الواقعی)**، الطبعة الأولى، ترجمة: سعید الغانمی، بیروت: الدار العربیة للعلوم.

السیوطی، عبد الرحمن بن أبی بکر، **جلال الدین (۱۴۱۶هـ)، الإتقان فی علوم القرآن**، الطبعة الأولى، القاهرة: هیئة المصریة العامة للكتاب.

صانعی پور، محمدحسن (۱۳۹۰ش)، **مبانی تحلیل کارگفتی در قرآن کریم**. چاپ اول. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).

الصحراوي، مسعود (۲۰۰۵)، **التداولیة عند علماء العرب**، بیروت: دارالطبعة للنشر والتوزیع.

طباطبائی، محمد حسین. (۱۴۰۲هـ). **المیزان فی تفسیر القرآن**. چاپ ششم. قم: جامعه مدرسین قم.

عاقل، فاخر (۱۹۷۳م)، **أصول علم النفس وتطبیقاته**، الطبعة الأولى، بیروت: دار العلم للملايين.

العانی، زیاد محمود (۱۹۹۵م)، **أسلوب الدعوة والتربية فی السنة النبویة**، رسالة ماجستير، بغداد: کلیة العلوم الإنسانية.

عرب، مرتضی (۱۴۰۴)، «مطالعه تطبیقی کنش ارتباطی نوح (ع) با قومش در قرآن و تورات با تکیه بر چهار نظام تعامل لاندوفسکی»، **مجله آموزه های قرآنی**، منتشر شده آنلاين، doi.org/10.30513/qd.2026.7887.2711.

قائمی مقدم، محمد رضا (۱۳۹۹ش)، **روش های تربیتی در قرآن**، چاپ چهارم، تهران: سمت.

قطب، سید (۱۴۱۲هـ)، **فی ظلال القرآن**، الطبعة الثالثة، بیروت: ناشر: دار الشروق.

لایکان، ولیم ج (۱۳۹۱ش)، **درآمدی تازه در فلسفه زبانی**، ترجمه: کوروش صفوی، چاپ اول، تهران: انتشارات علمی.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱ش)، **تفسیر نمونه**، چاپ اول، تهران: دار الكتب الإسلامیة.

ون دایک، تنون (۲۰۰۱م)، **النص و السیاق استقصاء البحث فی الخطاب الدلالي والتداولي**، الطبعة الأولى، المغرب: الدار البيضاء.

References

The Holy Qur'an

Al-Anani, Z. M. (1995). **The methodology of preaching and education in the Prophetic tradition** [Master's thesis]. College of Humanities, Baghdad. [In Arabic]

Al-Alusi, S. M. B. A. A. Al-Husayni. (1415 AH). **Ruh al-Ma'ani fi tafsir al-Qur'an al-'Azim wa al-Sab' al-Mathani** [The spirit of meanings in the interpretation of the Glorious Qur'an and the Seven Oft-Repeated Verses] (1st ed.). Dar al-Kutub. [In Arabic]

Arab, M (2025), "A Comparative Study of Noah's (PBUH) Communicative Action with His People in the Quran and the Torah Based on Landowski's Four Interaction Systems", **Journal of Quranic Teachings**, published online, doi.org/10.30513/qd.2026.7887.2711 [In Persian]

Al-Biqā'i, I. B. A. B. (1979 AH). **Nazm al-durar fi al-ayat wa al-suwar** [The arrangement of pearls concerning the correspondence of verses and surahs] (1st ed.). Dar al-Kitab al-Islami. [In Arabic]

Alborzi, P. (2007). **Mabani-ye zaban-shenasi-ye matn** [Foundations of text linguistics] (1st ed.). Amir Kabir. [In Persian]

Al-Sahrawi, M. (2005). **Al-tadawuliyya 'inda 'ulama' al-'Arab** [Pragmatics among Arab scholars]. Dar al-Tali'a for Publishing and Distribution. [In Arabic]

Al-Suyuti, A. B. A. B., J. al-Din. (1416 AH). **Al-Itqan fi 'ulum al-Qur'an** [Mastery of the Qur'anic sciences] (1st ed.). Egyptian General Book Organization. [In Arabic]

Al-Zahrani, A. B. A. (1412 AH). **Al-tafsir al-mawdu'i lil-Qur'an al-karim wa namadhij minh** [Thematic interpretation of the Holy Qur'an and examples thereof] (1st ed.). Islamic University of Madinah. [In Arabic]

Al-Zaydani, A. K. (2002). **Usul al-da'wa** [Foundations of Islamic preaching] (9th ed.). Al-Risalah Foundation for Printing and Publishing. [In Arabic]

Armenko, F. (1981). **Al-muqaraba al-tadawuliyya** [The pragmatic approach] (S. Allush, Trans.; 1st ed.). National Gift Center. [In Arabic]

Austin, J. L. (1991). **Nazariyyat af'al al-kalam** [A theory of speech acts] (A. Qaynini, Trans.; 1st ed.). n.p. [In Arabic]

Bougherra, N. (2008). **Madkhal ila al-tahlil al-lisani lil-khitab al-shi'ri** [An introduction to linguistic analysis of poetic discourse] (1st ed.). Modern World of Books. [In Arabic]

Ibn Faris, A. (1991). **Mu'jam maqayis al-lugha** [Dictionary of measures of language] (A. M. Harun, Ed.; Vol. 2). Dar al-Kutub al-'Arabiyya. [In Arabic]

Khalil Haydar, K. (2013). **Al-targhib wa al-tarhib fi al-Qur'an al-karim wa ahammiyyatuhuma fi al-da'wa ila Allah** [Encouragement and intimidation in the Holy Qur'an and their significance in calling to God]. Journal of the College of Humanities, (13), 1–37. [In Arabic]

Laiken, W. J. (2012). **Darāmadī-ye taza dar falsafe-ye zabani** [A new introduction to the philosophy of language] (K. Safavi, Trans.; 1st ed.). Scientific Publishing. [In Persian]

Makarem Shirazi, N. (1992). **Tafsir-e Nemuneh [An exemplary interpretation]** (1st ed.). Dar al-Kutub al-Islamiyya. [In Persian]

Qutb, S. (1412 AH). **Fi zilal al-Qur'an [In the shade of the Qur'an]** (3rd ed.). Dar al-Shuruq. [In Arabic]

Qaimi-Moqaddam, M. R. (2020). **Rosh-ha-ye tarbiyati dar Qur'an [Educational methods in the Qur'an]** (4th ed.). SAMT. [In Persian]

Rashidi, S. (2019). **Amuzha-ye tarbiyat-e akhlaqi bar asase ma'refat-shenasi-ye Qur'ani [The teachings of moral education based on Qur'anic epistemology]** (1st ed.). Bustan-e Ketab. [In Persian]

San'ei-Pour, M. H. (2011). **Mabani-ye tahlil-e kar-gofti dar Qur'an-e Karim [Foundations of speech-act analysis in the Holy Qur'an]** (1st ed.). Imam Sadiq University Press. [In Persian]

Searle, J. (2006). **Al-'aql wa al-lugha wa al-mujtama': Falsafa fi al-'alam al-waqi'i [Mind, language and society: Philosophy in the real world]** (S. al-Ghanimi, Trans.; 1st ed.). Arab Scientific Publishers. [In Arabic]

Searle, J. (2008). **A'fal-e goftari: Jostari dar falsafe-ye zaban [Speech acts: An essay in the philosophy of language]** (M. A. Abdollahi, Trans.; 2nd ed.). Institute for Humanities and Cultural Studies. [In Persian]

Tabataba'i, M. H. (2023 AH). **Al-Mizan fi tafsir al-Qur'an [Al-Mizan: An exegesis of the Qur'an]** (6th ed.). Society of Qom Seminary Teachers. [In Persian]

Van Dijk, T. A. (2001). **Al-nass wa al-siyaq: Istiqsa' al-bahth fi al-khitab al-dilali wa al-tadawuli [Text and context: Explorations in the semantics and pragmatics of discourse]** (1st ed.). Casablanca Publishing House. [In Arabic]